**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 31 - احکام تخلی – 24/8/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/أحكام التخلي /استنجاء

امر یازدهم : حد غَسل و مسح است که گفته شد مخرج غائط با آب شسته شود و تعدد شرط نیست و زوال نجاست کافی است ملاک حاصل شدن پاکی است. ادله:

دلیل اول : اجماع است که مرحوم شیخ طوسی در خلاف ادعا کرد و این اجماع اگر محصل باشد یقینا مدرکی است و حجت نیست و اگر منقول باشد در صورتی که کشف از رأی معصوم نکند حجت نیست و ناقل اجماع مرحوم شیخ طوسی است که قبول داریم اما نمی دانیم این اجماع را خودش تحصیل کرده یا نقل کرده است و مدرک اجماع روایت حسن بن مغیره و یونس بن یعقوب است که ما این را به عنوان دلیل دوم می آوریم

دلیل دوم : محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن المغيرة، عن أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِلِاسْتِنْجَاءِ حَدٌّ قَالَ لَا يُنَقَّى مَا ثَمَّةَ قُلْتُ فَإِنَّهُ يُنَقَّى مَا ثَمَّةَ وَ يَبْقَى الرِّيحُ قَالَ الرِّيحُ لَا يُنْظَرُ إِلَيْهَا.[[1]](#footnote-1)از امام علیه السلام سوال شد که آیا برای استنجاء حدی است حضرت فرمودند همان پاک شدن محل کافی است.

روایت دوم یونس بن یعقوب قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) الْوُضُوءُ الَّذِي افْتَرَضَهُ‏ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ لِمَنْ جَاءَ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ بَالَ قَالَ يَغْسِلُ‏ ذَكَرَهُ‏ وَ يُذْهِبُ‏ الْغَائِطَ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ مَرَّتَيْنِ مَرَّتَيْنِ.[[2]](#footnote-2) پس حد شستن تعدد نیست بلکه اثرش از بین برود.

اما حد مسح : مرحوم سید دو مطلب را ذکر کردند :

اول : واجب است با سه سنگ کشیده شود اگر چه با دو تا نقاء حاصل شده باشد

دوم : اگر با سه سنگ نقاء حاصل نشد تعداد بیشتر شود.

حال بحث این است که اگر با دو سنگ نقاء حاصل شد کشیدن با سنگ سوم مستحب است یا واجب ؟ مشهور فقها می گویند مسح با سه سنگ وجوب تعبدی است و مرحوم سید ، مرحوم علامه در معتبر، مرحوم محقق ثانی در جامع المقاصد و مرحوم شهید در لمعه این نظر را دارند و در مقابل صاحب مدارک ذخیره و ابن ادریس(رحمه الله علیهما) است که وجوب تعبدی ندارد و با دو سنگ در صورت نقاء کافی است و سومی مستحب است

روایات در این زمینه دو دسته اند : دسته اول وجوب تعبدی است :

منها : صحیحه زراره .... «وَ يُجْزِيكَ مِنَ الِاسْتِنْجَاءِ ثَلَاثَةُ أَحْجَارٍ بِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)‏»[[3]](#footnote-3) که کلمه یجزیک مورد نظر است که سه سنگ کافی و مجزی است پس کمتر از آن کافی نیست و یک قرینه ای هم هست که «جَرَتِ السُّنَّةُ» فقها فرمودند منظور از سنت، وجوب است.

شاهد اینکه سنت به معنای وجوب است در روایت دارد که قال سلمان الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرَى، عَنْ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: نَهَانَا رَسُولُ‏ اللَّهِ‏ (صلی الله علیه و آله و سلم) أَنْ نَسْتَنْجِيَ بِأَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ.[[4]](#footnote-4)

إن قلت ( شیخ در مبسوط ج ۱ ص ۱۶ ) : صحیحه زراره افضلیت استنجاء به سه سنگ را دلالت می کند و هیچ دلالتی بر وجوب تعبدی به سه سنگ ندارد و مراد امام علیه السلام از سنت استحباب است.

قلت : کلمه یجزیک قرینه است که منظور از سنت وجوب است نه مستحب چون اگر مستحب بود نیازی نبود از یجزیک استفاده شود بلکه از کلمه ینبغی استفاده می شد.

منها : صحیحه زراره عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ‏ التَّمَسُّحِ‏ بِالْأَحْجَارِ فَقَالَ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيّ(ٍعلیه السلام) يَمْسَحُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ.[[5]](#footnote-5)

اشکال : عمل امام حسین علیه السلام مجمل است یحتمل بخاطر فضیلت انجام داده اند و این حکایتی که امام علیه السلام از امام حسین علیه السلام فرمودند اشاره به وجوب تعبدی ندارد بلکه اشاره به مشروعیت عمل دارد چون سوال از تعداد نبود بلکه سوال از مشروعیت به احجار بود

جواب: در اصول داریم که اصل در قیود احترازی است نه توضیحی و اینجا از کلمه بثلاثة ، احتراز و دوری می کند که کمتر از سه سنگ مجزی نیست و حکایت فوق امضایی است که مردم که این کار را انجام می‌دهند به امضای شارع رسیده است.

1. -وسائل الشيعة، ج1، ص252، ح6، باب 35 من ابواب احکام الخلوه. [↑](#footnote-ref-1)
2. - همان، ص223، ح5 باب 9 من ابواب احکام الخلوه. [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان، باب9. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج‏1 ؛ ص275،..جامع الاصول ج8، ص60. [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشيعة ؛ ج‏1 ؛ ص348 [↑](#footnote-ref-5)